

با هم بخوانیم



پدر بزرگ امیر یک خروس خوش آواز و پنج جوجه با دو بلبل زیبا دارد. وقتی که خورشید زمین را روشن می کند، پدر بزرگ با آواز خروس بیدار می شود. برای خروس و جوجه گندم و جو می ریزد. خروس بانوک زدن به زمین دانه می خورد. آن روز وقتی که امیر پیش پدر بزرگ خود رفت دید او دو بلبل زیبا را آزاد کرده است تا در آسمان آبی پرواز کنند و برای خود روی شاخه ی درختان لانه درست کنند. امیر از این کار پدر بزرگ بسیار شاد شد و از او سپاس گزاری کرد.



علوی

بنام خداوند جان و خرد

پایه:

موضوع:

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

هدف:

# کلمات استنا



بازخورد:

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

